

پرخیزی از ویژگیهای جامعه مدنی

دکتر علی بروزگر

به عرصه خصوصی و شرایطی که جامعه مدنی از نگاه حقوق و آزادیها و شرایط زندگی نیازمند آنست داشته باشیم. در جامعه سنتی فرد معمولاً ارزش شخصیتی، حقوقی و اجتماعی مستقلی ندارد؛ ارزش و حقوق او بیشتر در پیوندهای او با خانواده، خانواده گسترده و قبیله است. هر اندازه پیوندهای او با منابع قدرت خانوادگی و قبیله‌ای نزدیکتر و محکمتر باشد حقوق و امتیازات او نیز بیشتر است، به طوری که اگر یکی از مقامات بالای قبیله‌ای کسی را بکشد ممکن است بر او ایرادی نباشد در حالی که بروز چنین جرمی از رده‌های پائین قبیله مجازات سختی خواهد داشت. در رابطه میان جوامع سنتی نیز فرد هويت مستقلی ندارد و تنها بعنوان عضوی از قبیله مطرح است. از این روست که اگر فردی از قبیله‌ای فردی از قبیله دیگر را بکشد هويت فردی او مطرح نیست و هر فرد دیگری از قبیله قاتل می‌تواند بجای او قصاص شود.

در جامعه مدنی هر فرد دارای هويت مستقل فردی است که به خاطر فردیت او دارای ارزش فطری است و روابط افراد با یکدیگر و با جامعه يك رابطه قرار دادی است که بر مبنای آن همه افراد صرف نظر از موقعیت و شأن خود دارای حقوق، آزادیها و مسئولیتهای یکسان در برابر قانون هستند. از این رو جامعه سنتی را از نگاه حقوقی جامعه شأنی^۱ و جامعه مدنی را جامعه‌ای قرار دادی^۲ می‌نامند.

در زمینه حقوق و آزادیهای فردی که مشخصه جامعه مدنی است، در طول تاریخ و بویژه در سه سده گذشته نوشته‌ها و اسناد ارزشمند فراوان است و وارد شدن به آنها گشودن فصلی جالب از اندیشه‌های جان لاک، ژان ژاک روسو، مونتسکیو، جان استوارت میل و دیگران است. اما تنها سندی که به صورت يك میثاق جهانی در آمده و مورد قبول نمایندگان کشورهای جهان قرار گرفته همان اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

در روز دهم دسامبر ۱۹۴۸ (نوزدهم آذر ۱۳۲۷) مجمع عمومی

گفت و شنودی که در ایران درباره جامعه مدنی آغاز شده است نیازمند به دست آوردن تعریف روشنی از جامعه مدنی در عصر ماست. این تعریف شاید بتواند کمکی به تعیین حدود موضوع در عرصه‌های گوناگون کرده و مباحث گفتمان ناپیوسته و پراکنده امروزی را به گونه‌ای دقیق تر مشخص سازد. در اینجا، نظریه پردازي انتزاعی هدف نیست بلکه تلاش می‌شود تا آنجا که ممکن است در این باره به مباحث مطرح در سطح جهانی و عینیت پدیده‌های موجود در جامعه ایرانی نزدیک شویم. باید به یاد داشت این بحث که از هزاران سال پیش آغاز شده و هنوز هم در محافل اندیشمندی جهان ادامه دارد نشانگر آرمان‌گرایی و کوشش انسانها برای دست یافتن به جامعه‌ای متعالی است و از این رو نه تنها تلاشهایی که در این جامعه شده برای ما ارزشمند است بلکه همه تجربه‌های بشری در این زمینه با ارزش و شایان توجه می‌باشد. برای ورود به این بحث نخست لازم است ویژگیهای جامعه مدنی آن گونه که در زمان حاضر مطرح است مورد شناسایی قرار گیرد و سپس ریشه‌های تاریخی جامعه مدنی در ایران و دشواریهایی که فراراه رشد آن قرار دارد بررسی شود.

از دیدگاه جامعه‌شناختی، جامعه را می‌توان به سه عرصه تقسیم کرد: عرصه خصوصی، عرصه عمومی و عرصه دولتی. عرصه خصوصی از آن فرد و خانواده است. عرصه عمومی دربرگیرنده گروه‌های شغلی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط جمعی است. عرصه دولتی هم دولت و ساختارهای آن است. جامعه مدنی در گرو به وجود آمدن شرایط ویژه‌ای در هر سه عرصه و در روابط این سه عرصه با یکدیگر است. اما در مقایسه با دیگر جوامع، در جامعه مدنی عرصه عمومی دارای اهمیت زیادتری است.

عرصه خصوصی

پیش از این که وارد عرصه عمومی شویم لازم است شناختی نسبت

رایگان به دست نمی آید و همهٔ انسانها وظایفی نسبت به جامعهٔ خویش دارند که تنها در سایهٔ انجام آنها تحقق این آزادیها و تکامل شخصیت فرد امکان پذیر است. آنچه در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر آمده ناظر بر حقوق انسانها به عنوان افراد است و از این روست که آن را در عرصهٔ خصوصی آورده ایم. اما چنان که دیده می شود این حقوق طبعاً پیوندهایی هم با عرصه های عمومی و دولتی دارد.

عرصهٔ عمومی

عرصهٔ عمومی از آن نهادهای اجتماعی عمومی مانند گروههای غیررسمی، انجمنها، اصناف، اتحادیهها، احزاب، مجامع فرهنگی، روزنامهها و مجلات و سایر وسایل ارتباط جمعی است. این نهادها پیرامون علائق مشترک فرهنگی، منافع اقتصادی و سیاسی و نیازهای ارتباطی افراد جامعه شکل می گیرد و هر اندازه جامعه تکامل یافته تر باشد فعالیتها در این عرصه گسترده تر خواهد بود. دستاوردهای دموکراتیک در کشورهای غربی هم با این ویژگیها و پدیدار گشتن نهادها و سازوکارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به وجود آمده و گسترش یافته است. اصناف تولید کننده، اتحادیههای کارگری، مصرف کنندگان، جنبش زنان، اقلیتها، دانشجویان، جنبش سبزها، احزاب سیاسی و غیره از جمله این نهادها هستند.

عرصهٔ عمومی به عنوان يك عرصهٔ واسط میان عرصهٔ دولتی و عرصهٔ خصوصی عمل می کند. از يك سو عرصهٔ عمومی با انجام بسیاری کارها از جمله اعمال اصول، موازین و روشها بر اعضای خود موجب نظم بخشی به جامعه شده و بار بخش دولتی را سبک می کند و از سوی دیگر، از راه انجمنها، اصناف، احزاب و گروههای فشار به عنوان سخنگوی افراد و گروههای جامعه در برابر دولت عمل می کند و مسائل و مشکلاتی را که باید از بخش دولتی برای حل آنها کمک گرفت در مراجع مربوط دولتی مطرح می کند. عرصهٔ عمومی با قدرت بیان و کاربرد اهرمهای فشاری که دارد به حل مسائل اجتماعی و اقتصادی جامعه سرعت می بخشد و با حل به موقع بحرانها مانع از این می شود که کار به جایی برسد که موجب برخورد میان جامعه و دولت و بالمآل ناپایداری دولت گردد.

هنگامی که سازمانها و نهادهای موجود در عرصهٔ عمومی به خاطر قدرت غیرمتعارف دولت یا انحصارها در جامعه تضعیف می شود و دولت یا انحصارهای حاکم با در دست گرفتن همهٔ قدرتهای اقتصادی، سیاسی و ارتباطی می کوشند همهٔ رفتارهای فرد را زیر نفوذ بیاورند جامعه به سوی يك جامعهٔ توده ای^۲ گرایش پیدا می کند که در آن يك توده بی هویت و بی شکل از نظر فرهنگی و منزوی از لحاظ فردی حالت قالب را می یابد. این پدیده ای است که در همهٔ نظامها چه فاشیستی، چه سرمایه داری و چه کمونیستی گرایش به آن وجود دارد. يك مفهوم جامعهٔ مدنی توازن و اعتدال

سازمان ملل متحد اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را تصویب کرد و از اعضا خواست مفاد این اعلامیه را به نحو ممکن به اطلاع همگان برسانند و در مدارس و مؤسسات آموزشی مورد مطالعه و بررسی قرار دهند به این امید که این حقوق و آزادیها به تدریج به چهار گوشه جهان تسری پیدا کند. حقوق و آزادیهایی که در سی مادهٔ این اعلامیه برای انسانها اعلام شده بطور فشرده عبارت است از:

- آزادی و برابری انسانها و نفی هر گونه تبعیض بر اساس نژاد، جنس، زبان، مذهب، سیاست، ملیت، مالکیت یا تولد؛

- حق زندگی، آزادی و امنیت فردی، نفی بردگی انسان، نفی شکنجه یا هر نوع مجازات غیر انسانی، برابری همگان در برابر قانون، حق انسان به دادخواهی، نفی بازداشت، زندان یا تبعید خودسرانه و مستبدانه، حق دسترسی به محاکمه منصفانه و اصل بیگناهی افراد تا زمانی که جرمشان در دادگاه علنی و با رعایت حقوق انسانی آنان ثابت نشده است؛

- حق انسانها در داشتن امنیت و خلوت فردی و خانوادگی، ایمنی خانهها و مکاتبات افراد، محفوظ بودن انسانها از حمله به شرافت و شهرت آنان توسط مقامات قانونی؛

- هیچ کس حق ندارد ملیت کسی را از او بگیرد و همهٔ افراد حق پناهجویی به هنگام آزار و اذیت را دارند؛

- حق زنان و مردان بالغ به ازدواج و تشکیل خانواده، بدون هیچ گونه محدودیت در رابطه با نژاد، ملیت یا دین و حمایت جامعه و حکومت از خانواده به عنوان يك واحد اجتماعی؛

- حق مالکیت؛

- آزادی اندیشه، وجدان و دین؛

- آزادی بیان، آزادی اجتماعی و شرکت در انجمنها؛

- حق مشارکت در حکومت بطور مستقیم یا به وسیلهٔ نمایندهٔ منتخب؛

- تأمین اجتماعی و امکان استفاده از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شأن و منزلت هر فرد با استفاده از منابع ملی یا بین المللی؛

- حق داشتن کار یا انتخاب کار و حمایت در برابر بیکاری؛

- حق استراحت و تفریح از جمله محدودیت ساعات کار و تعطیلات با دریافت مزد؛

- حق داشتن سطح زندگی مناسب برای سلامت فرد و خانواده از جمله غذا، لباس، مسکن و بهداشت؛

- حق برخورداری از آموزش - آموزش رایگان دست کم در سطح ابتدایی؛

- حق مشارکت آزاد در زندگی فرهنگی جامعه؛

- حق داشتن يك نظام اجتماعی و بین المللی که در آن این حقوق و آزادیها تحقق پذیر باشد.

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر در پایان تأکید دارد که این حقوق

ایدئولوژیک باشد و در این جا جامعه در مرحله فرا ایدئولوژیک است؛ یعنی خود را در تنگنای ایدئولوژی خاصی قرار نداده است. همه ایدئولوژی‌ها می‌تواند به وسیله مبلغان عرضه شود اما نمی‌تواند مبنایی برای تحدید آزادیهای فردی و اجتماعی قرار گیرد و از این رو جامعه در حالی که دارای نهادهای استوار و پابرجایی است، مکانی برای ارائه دیدگاههای گوناگون نیز هست. از برخورد این آراء و اندیشه‌هاست که شکوفایی علمی، فرهنگی و اجتماعی پدیدار می‌گردد. جامعه کاستی‌های خود را اصلاح می‌کند و پیشرفت اجتماعی و تمدنی حاصل می‌شود.

پاسداری از حریمها

جامعه مدنی يك جامعه آزاد است که در آن افراد، گروهها و نهادها با دیدگاههای گوناگون مشارکت دارند و هر يك بیان کننده نظرها و اعتقادات خویش است. اهمیت این نکته هنگامی آشکار می‌شود که این جامعه را با جامعه استبدادی مقایسه کنیم که در آن فرد یا گروه هیچ گونه حق و حقوقی ندارد، جامعه‌ای که شکل نو و توالتیتر آن فاشیسم و کمونیزم است که در آن فرد سلولی شده و خانواده و دیگر گروهها در خدمت ایدئولوژی و ماشین حکومت قرار دارند. در حالی که در جامعه توالتیتر حریمی جز حریم حکومت وجود ندارد، در جامعه مدنی همه حریم دارند و آنچه مهم است حفظ حریمهاست: حریم حقوق و آزادیهای فردی، حریم خانواده، حریم آزادی انجمن‌ها، اصناف، مجامع، روزنامه‌ها، مجلات و نظامهای ارتباطی. حافظ این حریمها تنها دولت نیست بلکه همه افراد، گروهها و نهادهای اجتماعی گوناگون باید این حریمها را پاسداری کنند.

اما در جوامعی از جهان که عرصه عمومی پایداری نیافته، بخش دولتی به خاطر نقش فائده خود آزادیهای فردی و اجتماعی را پاس نمی‌دارد، انجمن‌ها، اصناف، مجامع و احزاب سیاسی یا وجود ندارند یا اگر هستند باز تابی از اراده و خواست عرصه دولتی هستند. وسایل ارتباط جمعی نیز غالباً چیزی بیش از نشان دهنده نظر مقامات دولتی و بخش دولتی نیستند. حاصل آن که این جوامع از مرحله سنتی، قبیله‌ای یا استبدادی به مرحله مدرن يك نظام تام‌گرا (توالتیتر) گذر کرده است. در این جوامع بخش عمومی عملاً وجود ندارد و بخش دولتی مستقیماً در برابر بخش خصوصی قرار می‌گیرد و از این رو دولت چاره‌ای جز اتخاذ روشهای سرکوب در برابر توده غیرمتشکل ندارد و ناچار پایه‌های حکومت همیشه ناپایدار است.

اهمیت مشارکت

مهمترین ویژگی جامعه مدنی مشارکت است. در این جامعه افراد، گروهها و نهادهای اجتماعی به‌میزانی بس بیشتر از جامعه سنتی در فرآیندهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مشارکت می‌کنند. در این جامعه باز است که علم، اندیشه، هنر،

در ایران، جامعه مدنی بیشتر در پیوند با قانون‌گرایی و پاگرفتن جامعه‌ای قانونمند یا پایبند به قانون مطرح شده است، یعنی پی‌ریزی جامعه‌ای که در عرصه‌های خصوصی، عمومی و دولتی آن قانون محترم شمرده شود.

همه جوامع بشری بر بنیان اصول و باورهای مشترکی شکل گرفته‌اند که زیربنای غیرقابل انکار و وحدت‌ساز جامعه را تشکیل می‌دهند. اما در جامعه مدنی افزون بر این یگانگی زیربنایی، آزادی نیز جزو باورهای اساسی است و افراد و گروهها آزادند دیدگاههای خود را عرضه کنند.

در حالی که در جامعه توالتیتر حریمی جز حریم حکومت نیست، در جامعه مدنی خیلی چیزها حریم دارند و آنچه مهم است، محفوظ ماندن حریمهاست: حریم حقوق و آزادیهای فردی، حریم خانواده، حریم آزادی انجمن‌ها، اصناف، مجامع، روزنامه‌ها و مجلات و نظامهای ارتباطی. حافظ این حریمها تنها دولت نیست بلکه همه افراد، گروهها و نهادهای اجتماعی باید این حریمها را پاسداری کنند.

است؛ یعنی در جامعه هیچ قدرتی حالت غالب پیدا نکند. برای اینکه نهادهای موجود در عرصه عمومی بتوانند شکل گیرند و بطور مؤثر فعالیت کنند افراد جامعه باید از آزادیهای مدنی برخوردار باشند. یعنی امنیت و حرمت لازم در حوزه خصوصی افراد برای فعالیتهای اجتماعی به وجود آید تا بتوانند توانائیهای خود را آشکار کنند. در يك جامعه مدنی شکوفا طبعاً گروهها و گرایش‌های گوناگونی با سلیقه‌های مختلف وجود خواهد داشت که با عرضه دیدگاههای متفاوت می‌توانند به‌بالندگی و باروری جامعه کمک کنند. آزادیهای مدنی و اعمال سلیقه‌های شخصی بر پایه خرده‌فرهنگها موجب تنوع دیدگاهها و برداشتهای می‌شود که می‌تواند در يك جامعه بالغ موجب رشد و بالندگی و رونق اجتماعی شود. بنابراین جامعه مدنی يك جامعه کثرت‌گراست.

البته باید به یاد داشت که همه جوامع بشری بر بنیان اصول و باورهای مشترکی شکل گرفته‌اند که زیربنای غیرقابل انکار و وحدت‌ساز جامعه را تشکیل می‌دهند. اما در جامعه مدنی افزون بر این یگانگی زیربنایی، آزادی نیز جزو باورهای اساسی جامعه است و افراد و گروهها آزادند دیدگاههای خود را عرضه کنند.

چون جامعه مدنی يك جامعه کثرت‌گراست که در آن گروهها و افراد با خرده‌فرهنگها، حرفه‌ها، گرایش‌ها، طبقات، احزاب با سلیقه‌های گوناگون شرکت دارند این جامعه نمی‌تواند يك جامعه

ناشی از نوعی تیسولداری است چون این دولت است که آنها را می‌بخشد یا مصادره می‌کند. از این رو حیطة یا امنیت فعالیت‌های فردی و گروهی در بخش اقتصادی بسیار محدود و به‌خاطر اعمال غیر قابل پیش‌بینی بخش دولتی ناپایدار است.

عرصه دولتی

طبیعی است که در جامعه مدنی عرصه دولتی باید دارای ویژگی‌هایی متفاوت از جوامع تام‌گرا باشد. در جوامع تام‌گرا دولت برای خود نوعی حق قیمومیت و کفالت قائل است و حکومت را نوعی حق طبیعی می‌داند که از سوی نیروئی فوق‌طبیعی به او تفویض شده و آن را مدت و حد و مرزی نیست. در حالی که در جامعه مدنی منشأ حکومت رأی مردم است یعنی قراردادی است که برای مدت معین و موارد خاص میان مردم و مدیران دولت از طریق آراء عمومی بسته می‌شود و اجرای آن نیز تحت ساز و کارها و نظارت‌های مستمر ویژه‌ای است که از سوی جامعه اعمال می‌گردد.

برخلاف جامعه استبدادی سنتی یا جامعه تام‌گرای نو که در آن قدرت در یک فرد یا یک نهاد متمرکز است، در جامعه مدنی قوای دولتی بر اساس نقش و تخصص به‌قوای سه‌گانه اجرایی، مقننه و قضائیه تفکیک شده و هر یک حد و مرز و حریم خود را دارد و آن را حق دخالت در قوه دیگر نیست. به یک تعبیر، در جامعه مدنی آنچه مهم است حفظ حریمهاست: حریم حقوق فردی، حریم حقوق عرصه عمومی و حریم قوای سه‌گانه حکومتی. در جامعه استبدادی نه تنها انسانها به‌عنوان افراد دارای حق و حقوقی نبوده‌اند بلکه در حکومت‌ها نیز قوای قانون‌گذاری، اجرایی و قضائی از شخص حاکم نشأت می‌گرفته و داور نهایی در همه زمینه‌ها او بوده است. از این رو این گونه حکومت‌ها به‌خاطر نداشتن پایه‌های استوار در جامعه همیشه ناپایدار بوده‌اند. در جوامع تام‌گرای نو که در قرن بیستم به‌وجود آمدند نیز این حریمها به‌هیچ‌وجه دیده نمی‌شود: نه تنها حقوق و آزادهای فردی و اجتماعی وجود ندارد بلکه در قوای سه‌گانه دولتی نیز استقلال نیست. حزب و ایدئولوژی حزبی توجیه‌کننده نظام استبدادی است. بدین ترتیب در این کشورها که برخی از آنها مانند روسیه و آلمان دارای سنت‌های پارلمانی هم بودند، جامعه‌هایی در تب و تاب و تشنه توسعه و پیشرفت که در آن افراد و گروهها می‌رفتند ارزش نسبی اجتماعی کسب کنند، وارد مرحله‌ای شدند که افراد و گروهها هیچ ارزشی در برابر حکومت و حزب دولتی نداشتند. در این کشورها گرچه ملت و توده در حد نمدین مورد ستایش و پرستش بود اما حق و حقوق انسانی نداشت.

اندیشه‌ای که در پس تفکیک قوای سه‌گانه وجود دارد آن است که منشاء همه قوا ملت است و از این رو در پایان همه باید به ملت پاسخگو باشند. بنابراین از لحاظ منشاء حاکمیت تفکیکی نیست. تفکیک

فرهنگ و اقتصاد فرصت و میدان شکوفایی می‌یابد و جامعه از نو زنده می‌شود. در جامعه مدنی تصمیم‌گیری‌های اساسی جامعه در سایه تعامل آزاد افراد، اقشار، گروهها و منافع گوناگون از راه مشارکت آنها در فرآیندهای سیاسی حاصل می‌شود. این افراد، اقشار و گروهها باید واقعاً آزاد باشند تا بتوانند در گفت‌و شنودها و بده‌وبستانهای اجتماعی مشارکت داشته باشند. در بسیاری از جوامع استبدادی که افراد، گروهها یا اقشار تنها مجاز به فعالیت سیاسی به‌صورت دست‌آموز یا بلندگویی بخش دولتی هستند مشارکت واقعاً معنایی ندارد چون در این تعامل اجتماعی در واقع این تنها دولت است که مشارکت دارد.

نقش ارتباطات

ویژگی دیگر جامعه مدنی حضور واسطه‌های ارتباطی آزاد، مستقل، حرفه‌ای با وجدان آگاه و بیدار اجتماعی است. این واسطه‌های ارتباطی روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون و اکنون شبکه‌های کامپیوتری هستند. این واسطه‌ها باید اطلاعات و آگاهی‌های لازم را بدون تبعیض در دسترس افراد و گروهها قرار دهند. افراد و گروهها در یک جامعه مدنی باید آگاه باشند تا بتوانند نقش مفید خود را انجام دهند. امروز حق دسترسی به اطلاعات یکی از حقوق مسلم شهروندان تلقی می‌شود. برای این که واسطه‌های ارتباطی بتوانند نقش خود را ایفا کنند باید آزاد باشند و دولت محدودیتی جز آنچه مسئولیتهای قانونی و وجدانی آنها حکم می‌کند برای آنها نگذارد. دیگر آن که این واسطه‌ها باید مستقل و بی‌طرف باشند یعنی آگاهی‌هایی که می‌دهند تنها به سود گروه، فرد خاص یا حتی دولت نباشد بلکه صحنه‌ای باشند برای ارائه دیدگاهها و اخباری که در جامعه وجود دارد. افرادی که در بخش واسطه‌ای اشتغال دارند باید با دید حرفه‌ای جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، روانشناختی، جامعه‌شناختی و فرهنگی پدیده‌ها را دلسوزانه و با وجدان اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و موجبی برای باز شدن مسائل اجتماعی و شناخت آنها و ایجاد وفاق ملی نه در سطحی قشری بلکه متعالی باشند.

در جوامعی که دولت پس از استقرار نوعی (حتی ابتدایی) جامعه مدنی به‌وجود آمده (مانند انگلستان) چیرگی عرصه عمومی بر بخش دولتی امری طبیعی است. اما در ایران که استقرار دولت و نظام‌های اداره دولت در یک سرزمین بزرگ پدیده‌ای باستانی است، برای دولت دشوار است که قبول کند ناشی از اراده بخش عمومی جامعه باشد و گروهها و عناصر در عرصه عمومی جامعه را تهدیدی برای خود نبیند. در بخش اقتصاد هم وقتی عرصه دولتی بر عرصه عمومی تفوق یافت اجازه نمی‌دهد هیچ‌گونه اقتدار اقتصادی یا حوزه فعالیت مستقل به‌وجود آید. در این جوامع که مالکیت در اختیار دولت است، ثروتها چه در بخش کشاورزی و چه در بخش صنعتی

و بانکداری و خلاصه کارفرمایی جامعه نیست. دولت يك نقش راهبردی و کلیدی دارد که موانع رشد جامعه را از میان برمی دارد و برای رشد و توسعه جامعه برنامه ریزی می کند. از این رو دولت با کارکنانی محدود اما توانا و نخبه می تواند نقش بسیار پویایی در توسعه جامعه داشته باشد.

پایداری دولت در جامعه مدنی

در مرحله پیش از جامعه مدنی، دولت پایگاهی است که قبایل یا گروههای رقیب در يك سرزمین قصد تصرف آن را دارند و هر يك در هر زمان که بتوانند آن را تصرف می کنند و تازمانی که بتوانند آن را در چنگ خود نگه می دارند و از آن برای سرکوب رقبای مخالفان استفاده می کنند. بنابراین تازمانی که زور گروه حاکم می جرید بر سر قدرت می ماند و همین که سستی در او راه یافت با خشونت سرنگون می شود.

ویژگی دولت در جامعه مدنی پایداری آن است. در جامعه مدنی به خاطر استقرار نهادهای اجتماعی که نماینده منافع قشرها و سلیقه های گوناگون در جامعه است و وجود ساز و کارهایی که بدهوستان میان این منافع را در چارچوب يك وفاق ملی میسر می سازد دولت از پایداری ویژه ای برخوردار است. در نتیجه این پایداری، سیاست ها و برنامه های دولت استمرار و کارآمدی دارد. در جوامعی که حکومت ناپایدار دارند، دولت همیشه از نظر نیروی انسانی کارآمد و توانا در رده های مدیریت و کارشناسی فقیر است و فرازونشیب های سیاسی که دولت همیشه قربانی آن است اجازه نمی دهد يك کادر حرفه ای مجرب و تحصیل کرده و تربیت شده زمام امور را به دست گیرد و پس از سپری شدن دوره خدمت، کار را به نسل بعدی بسپارد. از این رو ست که در این جوامع افراد کارآمد کناره می گیرند و سیاست و سیاست های دولتی غالباً جولانگاه فرصت طلبان و شیادانی می شود که يك شبه می خواهند بار خود را ببندند و این خود بیشتر به ناپایداری دولت کمک می کند. به خاطر ویژگی دولت کوچک و مدیریت فائده ای که دارد جامعه مدنی يك جامعه غیرمتمرکز است. تمشیت امور شهری، استانی و محلی با شوراهای و نهادهای منتخب مردم است و از این رو دولت های محلی در شناخت نیازهای مردم تواناتر و دربرآوردن آنها با مشارکت مردم پویاترند.

جوامع استبدادی سنتی در برابر دگرگونی های اجتماعی، سیاسی و تکنولوژیک آسیب پذیر هستند و به خاطر نقش فائده دولت در این جوامع آنچه به عنوان رقیب توسط دولت مورد تهاجم قرار می گیرد نهادهای عرصه عمومی است و بدین ترتیب با از میان رفتن این نهادها که شکل دهنده به افراد جامعه هستند توده ها را شده و این توده های سرگردان در برابر جریانه های سیاسی گوناگون در جامعه وضع خطرناکی را از نظر ناپایداری اجتماعی به وجود می آورند. گرچه

○ عرصه عمومی از آن نهادهای اجتماعی عمومی مانند گروه های غیررسمی، انجمن ها، اصناف، اتحادیه ها، احزاب، مجامع فرهنگی، روزنامه ها و مجلات و دیگر وسایل ارتباط جمعی است. این نهادها بر پایه علائق مشترک فرهنگی، منافع اقتصادی و سیاسی و نیازهای ارتباطی افراد جامعه شکل می گیرد.

○ عرصه عمومی بعنوان یک عرصه واسط میان عرصه دولتی و عرصه خصوصی عمل می کند. عرصه عمومی با قدرت بیان و کاربرد اهرم های فشاری که دارد به حل مسائل اجتماعی و اقتصادی جامعه سرعت می بخشد و در نتیجه از برخورد میان جامعه و دولت و بالمآل ناپایداری دولت جلوگیری می کند.

به لحاظ عملکرد است که هر يك از قوای سه گانه باید در حوزه عمل ویژه خود دارای استقلال عمل لازم باشد. بدین ترتیب، آنچه مصالح جامعه است در مدنظر قرار می گیرد و هیچ يك از قوای سه گانه دلخواسته عمل نمی کند و تا آنجا که میسر است در چارچوب قانون اساسی از تدبیر و سنت های بوجود آمده در هر رشته مدد می گیرد. در عین حال، هر يك از قوای دیگران نظارت و کنترل است تا از حد و حدود خود خارج نشوند. برای مثال، قوه مقننه محدوده فعالیت قوه اجرایی را تعیین می کند و قوه قضائیه تخطی از این حدود و اصول را در نظر دارد. قوه مقننه در بیشتر موارد لوایحی را بررسی می کند که از سوی قوه اجرایی پیشنهاد شده است. لوایح به تصویب رسیده نمی تواند ناقض قانون اساسی باشد و نظارت بر این جریان در بیشتر جوامع با قوه قضائیه است. محدوده قوه قضائیه نیز قوانین وضع شده در مجلس و سنت های قضائیه است. در جامعه مدنی قدرت دولت متکی به همراهی و همدلی ملت است نه به منابع طبیعی قابل مصرف؛ عامل پویایی تمدن عامل انسانی است، چون انسان سازنده فرهنگ، سازنده تکنولوژی و سازنده تمدن است. هماهنگی و همدلی انسانها در عرصه های گوناگون، يك جامعه پویا، خلاق و شکوفابه وجود می آورد و دولت در ایجاد این عامل شکوفائی نقش اساسی دارد.

در جامعه مدنی دولت نه تنها نقش قیم ملت را ندارد بلکه چون به خاطر گسترش نهادها در عرصه عمومی، جامعه خودگردان شده است، نقش و حجم دولت محدود شده و از این رو بهترین دولت کوچکترین دولت است. اما کوچک شدن دولت به این خاطر نیست که اهمیت آن کمتر شده است. اهمیت دولت از قبل هم بیشتر است. تفاوت اصلی در نقش دولت است. دولت دیگر تولیدکننده، تاجر، واسطه و عرضه کننده انواع خدمات از بیمه گرفته تا حمل و نقل

برخی از سیاستمداران می‌توانند برای دوران کوتاهی این توده‌ها را بازبچه قرار دهند اما این بازی می‌تواند از نظر دولتها مهلك و از نگاه اجتماع فاجعه‌آفرین باشد. تنها از راه بازسازی نهادها در عرصه عمومی است که آرامش و تعادل را می‌توان به جامعه بازگرداند. باید به‌خاطر داشت که هیچ‌یک از عرصه‌های جامعه مدنی نمی‌تواند به‌هزینه تضعیف دیگر عرصه‌ها دست بالا را بگیرد. جامعه مدنی نیازمند تعادل و توازن است و تنها در سایه آن می‌تواند به شکوفائی دست یابد.

در زمینه اقتصاد

مانند دیگر جوامع، در جامعه مدنی هم اقتصاد پیرو سیاست است. اگر سیاست عرصه تقسیم قدرت سیاسی باشد، به همان میزان نیز منافع اقتصادی تقسیم می‌شود. در واقع سیاست یک موضوع عام دارد و آن این است که انواع منافع چگونه و میان چه افرادی، به چه میزان و در چه زمان تقسیم می‌شود. بنابراین اگر شما یک نظام سیاسی دموکراتیک داشته باشید که در آن حقوق یا بهتر بگوئیم قدرت سیاسی به نسبت تقریباً مساوی میان افراد توزیع شده باشد توزیع قدرت اقتصادی هم باید به نحوی از آن پیروی کند.

بدین ترتیب، نظام مدیریت اقتصادی بازتابی از تصمیم‌گیری سیاسی است. در جوامع سوسیالیستی هم نظام‌های سیاسی بنا به اقتضای گرایش سیاسی خود مدیریت دولتی نظام‌های اقتصادی را برقرار کردند و وقتی این نظام‌های سیاسی به‌سستی گرایید و فروپاشید نظام‌های اقتصادی هم دستخوش تغییر شد. در جامعه ما هم در یک‌صد سال گذشته بحث بر سر مناسب بودن این یا آن نوع نظام اقتصادی همیشه یک بحث واقعی برای تصمیم‌گیری نبوده چون تصمیم‌گیرهای اقتصادی نه ضرورتاً بازتابی از نیازهای جامعه، بلکه بیشتر بازتابی از منافع نخبگان و مبارزه بر سر قدرت بوده است. در گذشته در جامعه ما متأسفانه معنای اقتصاد آزاد هرگز این نبوده که بازیگران در میدان اقتصاد زیر قوانین و با شرایط فرصت‌های مساوی فعالیت کنند بلکه حمایت دولت از افراد خاص مطرح بوده است. در سطح جهانی نیز برنامه‌های سوسیالیستی به‌جای گسترش رفاه عمومی غالباً به گسترش دامنه قدرت دولت و مدیریتهای دولتی انجامیده است.

جامعه مدنی جامعه سرمایه‌داری افسارگسیخته نیست؛ جامعه سرمایه‌داری دولتی هم نیست. جامعه‌ای است فرایدنولوژیک و مردم‌گرا که در چارچوب نهادهای مردم‌سالارانه می‌کوشد نظام و سیاستهای اقتصادی مناسب را به اقتضای زمان مستقر سازد. از گذشته پند گرفته و آن را برای بهبود آینده به کار بندد.

در یک‌صد سال گذشته در ایران به‌خاطر نقش فائده دولت نهادهای اقتصادی خارج از حیطه دولت کمتر فرصت بروز و بالندگی یافته‌اند و برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی نه به‌خاطر ارزش ذاتی خود و

○ عامل پویایی تمدن، انسان است؛ چون انسان است که فرهنگ، تکنولوژی و تمدن را می‌سازد. هماهنگی و همدلی انسانها در عرصه‌های گوناگون، یک جامعه پویا، خلاق و شکوفابه وجود می‌آورد و دولت در این زمینه نقشی اساسی دارد.

○ برای اینکه در یک جامعه پایبندی به قانون ایجاد شود، مردم باید به بی نظری قانونگذار، انصاف مجری قانون و امکان دادخواهی اطمینان داشته باشند و باور کنند که اجرای قانون به سود جامعه و در نهایت به سود خود آنهاست.

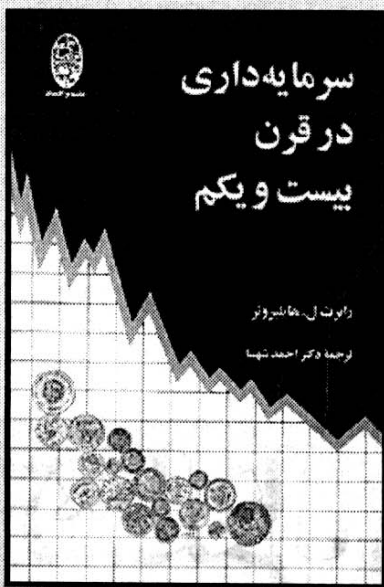
○ گرچه برخی از ویژگیهای جامعه مدنی نخست در غرب آشکار شده، اما از نگاه فرهنگی، این ویژگیها بیش از آنکه غربی باشد انسانی و تمدنی است؛ مگر آنکه خردگرایی، انساندوستی، انصاف، برابری، عدالت و آزادی را پدیده‌هایی صرفاً غربی بدانیم!

تأثیر آن بر اقتصاد بلکه به‌خاطر ارزش سیاسی و نقش آن در رقابت بر سر قدرت برگزیده شده است. در کشوری که قبلاً حرمت مالکیت فردی رعایت نمی‌شده و همیشه مورد تاخت و تاز حکومت و عمال آن بوده، صحبت کردن از برنامه‌ریزی و سیاست اقتصادی واقع‌بینانه دشوار است.

قانون‌گرایی

در ایران جامعه مدنی بیشتر در پیوند با قانون‌گرایی و پاگرفتن جامعه‌ای قانون‌نمند پای‌بند به قانون مطرح گردیده است، یعنی پی‌ریزی جامعه‌ای که در آن دولت، افراد و عرصه عمومی همه پای‌بند قانون باشند. این دیدگاه از جامعه مدنی بویژه در ایران که از نظر تاریخی جامعه از اعمال قدرت خودسرانه حکام در امان نبوده معنا و اهمیت دارد. در انقلاب مشروطه هم مردم عدالت‌خانه می‌خواستند یعنی یک نهاد قانونی بیطرف که از حقوق مردم در برابر اعمال قدرت خودسرانه مقامات حکومت دفاع کند.

حمایت از قانون اساسی مشروطه نیز بیشتر به‌خاطر محدود کردن قدرت حکومت و تقویت عرصه عمومی صورت می‌گرفت. مرحوم دکتر محمد مصدق که متأسفانه فرصتی برای اصلاح ساختاری جامعه و دولت نیافت در مدت کوتاه زمامداری‌اش تأکید فراوان بر ایجاد قوه قضائیه مستقل و استقرار حکومت قانون داشت. از این‌رو این دیدگاه از جامعه مدنی یعنی بنیانگذاری یک جامعه پای‌بند به قانون ریشه در تاریخ این کشور دارد. در عین حال این آرمانی است که دست یافتن به آن آسان نیست. درست است که در این کشور



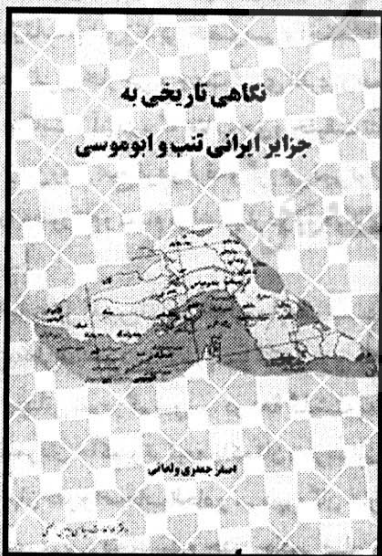
سرمایه‌داری در قرن بیست و یکم

رابرت ل. هایلبرونر

ترجمه دکتر احمد شهسا

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

قیمت ۴۰۰ تومان



نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی

اصغر جعفری ولدانی

انتشارات وزارت امور خارجه

قیمت ۲۰۰۰ تومان

نزدیک به یک قرن (از تاریخ تشکیل دوره اول مجلس شورای ملی) سابقه قانون‌گذاری به سبک جدید داریم، اما در جامعه‌ای که حکومت‌ها قریباً می‌کوشیده‌اند قوانینی را اعمال کنند که بیشتر یکسویه و به‌زیان مردم بوده است، مردم هم همیشه در جستجوی راههایی برآمده‌اند که این قوانین را مختل یا نقش بر آب کنند. بنابراین برای اینکه در یک جامعه پای‌بندی به قانون ایجاد شود باید مردم به بی‌نظری قانونگذار، انصاف مجری قانون و امکان دادخواهی باور داشته باشند و بدانند که اجرای قانون به سود جامعه و در نهایت به سود خود آنهاست.

افزون بر این برای این که از افراد و نهادهای جامعه انتظار داشته باشیم به قانون احترام بگذارند نه تنها باید منافع آنها در تدوین قانون ملحوظ گردد بلکه باید تضمینی هم برای اعمال بی‌نظرانه قانون باشد و این به‌وجود نمی‌آید مگر در سایه استقرار نهادهای نیرومند در عرصه عمومی. اما جامعه مدنی تنها یک چارچوب حقوقی نیست که روی کاغذ و در قالب قانون شکل گرفته باشد، بلکه بیش از آن باید یک واقعیت سیاسی، اقتصادی، جامعه‌شناختی، روانی، فرهنگی و حتی بازتاب یافته در معماری و شهرسازی جامعه باشد.

گرچه برخی از ویژگیهای جامعه مدنی نخست در غرب آشکار شده، اما از نگاه فرهنگی این ویژگیها و مناسبات بیش از آن که غربی باشد، انسانی و تمدنی است؛ مگر آنکه خردگرایی، انسانیت، انصاف، برابری، عدالت و آزادی را پدیده‌هایی صرفاً غربی بدانیم! هر جامعه دو حرکت به‌سوی مدنیت بر سنت‌های والای انسانی و فرهنگی خویش تکیه می‌کند و براساس آنها می‌سازد. از این‌روست که در آینده در جامعه جهانی ما جوامع مدنی با فرهنگ‌های گوناگون خواهیم داشت که هر یک به‌سهم خود به شکوفایی تمدن انسانی کمک خواهد کرد. جامعه مدنی که برخی از ویژگیهای آن را در اینجا آوردیم هدفی است که جوامع انسانی می‌توانند بکوشند برای تعالی انسانی و تمدنی هر یک به‌سبک خویش به‌سوی آن حرکت کنند.

برای ایرانیان این فرصت پیش آمده که با بررسی گذشته و پند گرفتن از اشتباهات و شناخت توانایی‌های امروز، جامعه را با سرعت در سمت و سوی انسانی و تمدنی پیش ببرند. این فرصت تاریخی همان‌گونه که می‌تواند به‌استقرار نوعی جامعه مدنی بینجامد، می‌تواند همانند برخی فرصتهای دیگر که در صد سال گذشته پیش آمده به‌ناکامی منجر شود. این فرصتی است برای ایجاد جامعه‌ای پویا، متوازن و پایدار در عرصه‌های گوناگون. نقش دولتمردان بیدار و جامعه‌روشنفکری آگاه ایران در هدایت این حرکت حیاتی است.

پانویس:

1. Status Society.
2. Contractual Society.
3. Mass Society.